

اعتماد به افراد باید سنجیده و درست باشد

دوستی را دیدم بسیار افسرده و غمگین. تا حال او را چنین غرق در افکار و ناراحت و دلگیر ندیده بودم. حوصله حرف زدن نداشت. به زور وادارش کردم که چند کلمه ای با من همراه شود و به سؤالاتم جواب دهد.

این که چرا به این روز افتاده و شادابی خود را از دست داده و کم حوصله شده است؟ گفت: روزگار عجیبی است. گاهی در زندگی انسان اتفاقاتی می افتد و وقایعی پیش می آید که فرد را تا دم سخته و مرگ می کشاند. وقتی آدم از نزدیک ترین افرادش ضربه های هولناکی تحمل می کند و برخلاف یک عمر تصور، آنهایی را که انسان های تمام عیار و کاملی تلقی می کرد، در لباس و شکل دیگری می بیند، آیا به جز افسرده شدن کار دیگری می تواند انجام بدهد؟

رفتارهای این چنینی انسان را از همه اطرافیان، دوستان و آشنایان متنفر می کند، دیگر نمی تواند به کس دیگری دل ببندد و اعتماد نماید و حتی به خودش نیز بدبین می شود و آنگاه زندگی به جهنمی تبدیل می شود که تحملش سخت و طاقت فرسا می گردد.

وقتی بینی از حسن نیت تو سوء استفاده کرده و تو را سپری برای رسیدن به برخی از اهداف قرار می دهند، وقتی بعد از سال ها اعتماد و نان و نمک خوردن، دنیا را بر سرت خراب کرده و خود را وسیله ای برای سرپوش گذاشتن به رفتارهای زشت و ناپسند دیگران ببینی، چگونه می توانی خود را ببخشی و در آرامش زندگی کرده و طراوت همیشگی را داشته باشی؟ وقتی بعد از سال ها اعتماد خود را قربانی رفتار ناپسند برخی ها بینی حال و حوصله ای برای حرف زدن باقی می ماند؟

به او گفتم دوست من خدا را شاکر باش که فهمیده ای و درک کرده ای. نباید همه را به یک چوب رانده گناه و تقصیر یک نفر نباید به پای دیگران نوشته شود. باید قبل از اعتماد کردن پرونده ای گشوده شود و مدت ها رفتار و کردار اشخاص تحت نظر باشد و در نهایت نتیجه گیری انجام گردد. اگر به کسی خیلی زود اعتماد کنیم طرف فکر می کند که ما آدم احمق هستیم و چه بسا در این راه همه چیز را زود ببازیم. زیاد بر خود سخت نگیر. اشخاص تکامل می یابند و عوض می شوند. کسی که امروز مورد اعتماد است امکان دارد که فردا آدم امروزی نباشد. اگر اعتمادمان سنجیده و درست نباشد همیشه نتیجه اش

درست برعکس انتظار ما خواهد بود.

او که کم حوصله بود افزود: اعتماد یعنی اطمینان از این که طرف مقابل در روابطش، به شما قصد ضربه زدن نداشته باشد. اعتماد یعنی رسیدن به شناختی معمولی و معقول در باره ارتباط افراد و تعیین حدود و مرزها برای ایجاد ارتباط. من در هر صورت ضربه روحی جبران ناپذیری را متحمل شده ام که حاصل اعتمادی است که به اطرافیان و دوستان خود داشته ام. غافل از این که آنها در ظاهری آر استه و مدعی دوستی و صداقت بر خلاف جریان آب شنا کرده اند. دست خودم نیست دیگر توان راحت نفس کشیدن را نیز از دست داده و به سایه خودم نیز بی اعتماد شده ام و همه این ها گول خوردن از ظاهر آنهاست که با فکر و اندیشه ناسالم در بر قراری ارتباط دوستانه و صمیمانه با من بوده اند.

او بدون خداحافظی از من جدا شد ولی قبل از رفتن از من قول گرفت که بخشی از حرف هایش را در نشریه و سایت استفاده بکنم تا اگر جوانان این مطلب را خواندند، بدانند که در اعتماد کردن به افراد بی گذار به آب نزنند و خود را ناخواسته آلت دست این و آن قرار ندهند.

بار خدایا، دل های ما را خانه ای برای حب دنیا و نفس پرستی قرار مده.

پروردگارا کمکمان کن تا صداقت را در زندگی پیشه خود سازیم و از راه مردانگی کج نشویم و در بیراهه ها به دنبال اهداف ناپسند خود نگردیم.

خداوندا ، بر ما آن قدرت را عطا بفرما که در روابط خود در جامعه یک چهره داشته باشیم و از نفاق و تفرقه افکنی به دور باشیم. پروردگارا، بر ما عنایت فرما تا خصلت های ناروا، دورویی، نامردی و سوء استفاده از اعتماد دیگران را در خود جای ندهیم.

پروردگارا، بر ما چنان سرنوشتی رقم فرما که فکر ضربه زدن به کسانی را که سال ها خالصانه در کنار ما بوده و خدمت نموده اند ، نباشیم و قدر بزرگان خود را بدانیم. آمین یا رب لعالمین.